

بررسی فرایند هویت‌یابی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ناهید میرزمانی^۱

آزیتا امیرفخرایی^۲

مختار ذاکری^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی فرایند هویت‌یابی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام شد. روش تحقیق، کیفی و روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق، مشاهده و اسنادی است. جامعه‌ی پژوهشی، تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شدند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش تحلیل استقرایی و قیاسی و رویکرد تجزیه و تحلیل داده‌ها، رویکرد توصیفی تفسیری بود. نتایج نشان داد، دانشجویان در طول دوران تحصیل با دو علمی تحصیلی و فرهنگی روبرو شده‌اند که بیشترین تأکید و توجه دانشگاه آزاد، به مقوله‌ی علمی تحصیلی مربوط می‌شود. نحوه‌ی رویارویی دانشجویان با زمینه‌های هویتی به دوشکل آگاهانه و ناآگاهانه صورت گرفته است. مقوله‌ی رویارویی آگاهانه در مواردی به زمینه‌های علمی تخصصی و در مواردی به زمینه‌ی فرهنگی اجتماعی بر می‌گردد. از بین هشت مؤلفه‌ی اصلی، هفت مؤلفه‌ی اقتدار، وحدت، تجربه، ارتباط، ارزش‌مندی، آگاهی و نشان‌مندی در مورد زمینه‌ی علمی تحصیلی و تاحدودی فرهنگی تحقق یافته و مؤلفه‌ی ثبات محقق نشده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، هویت‌یابی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.
۲. استادیار گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)
afakhraei2002@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم هویت به همان اندازه که حیاتی است، مبهم بوده و از این رو، مسئله‌زاست. هویت، مفهومی چندبعدی بوده، تعریف آن به دلایلی از جمله؛ مطرح شدن در یک طیف وسیع از رشته‌های علمی، از فلسفه گرفته تا علوم سیاسی، دشوار است و در بسیاری از روش‌های معمول اندازه‌گیری نمی‌گنجد. به عقیده‌ی اریکسون، نظریه‌پرداز و پژوهش‌گر برجسته، هویت مفهومی کاملاً فراگیر اما مبهم است. گریزناپذیری آزردهنده‌ی هویت به‌خوبی در اثر لئون و ایسلتی^۱ نظریه‌پرداز مشهور اجتماعی توضیح داده شده است. وی بر این نکته که اگر بخواهیم با این مفهوم هم مخالفت کنیم، باز نمی‌توانیم از آن فرار کنیم، تأکید می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۸۴: ۴۴). کمتر مفهومی است که به اندازه‌ی هویت، واجد معانی متعدد باشد. تلاش برای تعریف، هویت را شبیه تلاش برای نام‌گذاری رنگ باد دانسته‌اند؛ از هرکسی پرسیده شود، پاسخ متفاوتی خواهد داد (پارانجی^۲، ۲۰۰۰: ۶۷). وجود مفاهیم مترادف و یا نزدیک و مرتبط برای هویت، مانند من فاعلی، من مفعولی، درک خود و آگاهی از خود، خودانگاره، آگو و شخصیت نیز شاید از همین، نشأت می‌گیرد. هویت از اقبال چندین رشته‌ی علمی از جمله فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و ادبیات برخوردار است، به طوری که به نظر می‌رسد، همه در این باره حرفی برای گفتن دارند (محسنی و دوران، به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳: ۹۳).

در باب هویت می‌توان گفت، هویت هیچ‌گاه مفهوم ثابتی نداشته و پایداری برای خود نمی‌پذیرد. همیشه چندگونگی را پذیرفته و تمایل داشته که به مدلول‌های مختلف رجوع کند (قاسمی، به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳: ۹۵). ریشه‌ی این تحول‌پذیری را می‌توان در شرایط در حال‌تغییر جهان، پی‌جویی کرد؛ چراکه هویت فرد یا گروه به شدت متأثر از بافت بوده و در شرایط فعلی جهان، هیچ بافتی جدا از بافت‌های دیگر نیست.

نظریه‌های زیادی آنچه را که به شکل‌گیری هویت منجر می‌شود، مورد مطالعه قرار داده‌اند. هویت، آن‌طور که در ادبیات هویت درک می‌شود، می‌تواند در دامنه‌ای از ویژگی‌های انسان‌شناختی تثبیت شده از تولد تا ویژگی‌های خودانتخابی که در طول زمان تغییر می‌کند، مورد مطالعه قرار گیرد. مشهورترین حوزه‌هایی که هویت در آن مطالعه شده است، شامل شغل، نژاد،

1. Leon Whistletier

2. Anand

قومیت، جنسیت و مذهب، به‌عنوان هویت‌های مقوله‌ای هستند (وانسا، ۲۰۱۱: ۴۴).

جستجوی انسان برای درک جایگاهش در طبیعت، به اندازه‌ی خود تجربه‌ی انسانی قدمت دارد. می‌توان افراد زیادی که از بزرگترین متفکران دوران خود بوده‌اند را یافت که درباره‌ی ماهیت انسان از زمان‌های باستان تا حال حاضر، در همه‌ی نقاط جهان از شرق گرفته تا غرب، تأمل کرده‌اند و نظریات متنوعی مطرح ساخته‌اند. در این میان، فلسفه و مذهب در پردازش مفهوم هویت انسانی در تاریخ بشر پیش‌گام بوده‌اند، به‌طوری‌که، در یونان و هند باستان، حکمای بزرگ از جمله سقراط و یاجنوال‌کیا، افراد را به فهم خود ترغیب می‌کرده‌اند و این‌که سه شعبه‌ی بزرگ فلسفه شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و اخلاقیات در ارتباط با مسئله‌ی هویت هستند. در ایران باستان نیز در متون هخامنشی می‌توان دید که هخامنشیان به وحدت قومی و فرهنگی و آریایی بودن خود آگاهی داشته و خود را با سایر ایرانیان از اصلی واحد می‌دیدند. در دوره‌ی معاصر، علوم انسان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، توجه زیادی به این مفهوم داشته‌اند. در دوران معاصر پدیده‌هایی هم‌چون جهانی‌شدن، مدرنیته، مهاجرت، توسعه‌ی شهرنشینی، توسعه اقتصادی، تشکیلات اقلیت‌های جنسی و قومی، فضای مجازی، فناوری‌های نوین تولید مثل و شبیه‌سازی، جهان‌گردی، جنبش‌های مذهبی، جنبش‌های قومیتی و جنبش‌های جنسی، بیش‌ازپیش، پدیده‌ی هویت را مسئله‌ساز کرده‌اند. توضیح بیشتر این‌که، جهانی‌شدن با بر هم ریختن فضای انحصاری ملت‌ها و کاهش دادن قدرت تولید هویت‌سازی سنتی، مدرنیته با سست کردن پایه‌های سنت از جمله؛ سبک‌های زندگی و تفکر سنتی، مهاجرت با افزایش تنوع و تقابل‌های فرهنگی و قومیتی و ایجاد هویت‌های التقاطی، اقلیت‌های جنسی با طرح مسئله‌ی هم‌جنس‌گرایی و رویارویی مذهب و جنسیت، فضای مجازی با فراهم کردن امکان پیدایی جامعه‌ای شبکه‌ای و یک فضای تعاملی آزاد، نفوذپذیری مرزها، بازبودن حضور فرد، ساختارشکنی قالب‌های هویتی، فراهم‌ساختن زمینه‌ی گفتمان هویتی و ایجاد شبکه‌های ارتباطی و صفحات شخصی، فناوری‌های نوین تولید مثل با طرح مسائلی از جمله بارداری مصنوعی و شبیه‌سازی انسانی، جهان‌گردی با در معرض معامله و مبادله قرار دادن فرهنگ و هویت کشورها، جنبش‌های مذهبی و قومیتی، آن‌گونه که در جوامع اسلامی در دهه‌ی اخیر مشاهده شده است و

هم چنین جنبش‌های جنسی از جمله فمینیسم، همه و همه بر پیچیدگی مسئله‌ی هویت افزوده‌اند. در بخش پژوهش‌هایی که در داخل کشور، پیرامون مفهوم هویت، صورت گرفته، با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی ایرانی که از قومیت‌های مختلفی تشکیل شده است، ماهیت دینی و هم‌چنین توسعه‌ی فضای مجازی از دهه‌ی هفتاد به این طرف، پژوهش‌های صورت گرفته در سه حوزه‌ی عمده‌ی دینی، ملی که شامل مباحث هویت قومی و جهانی شدن می‌شود و فضای مجازی و در سه عنوان هویت دینی، هویت ملی و هویت مجازی، به انجام رسیده است. هم‌چنین در حوزه‌ی روان‌شناسی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است.

دامنه‌ی مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه‌ی هویت، در سال‌های اخیر توسعه و مرکزیت ویژه‌ای در علوم انسانی و اجتماعی یافته است که عمده‌ترین این زمینه‌ها مربوط به جنسیت شامل؛ اقلیت‌های جنسی، ملیت از جمله؛ مباحث ملی‌گرایانه، جهانی شدن و قومیت، شغل شامل؛ هویت حرفه‌ای یا شغلی، مذهب از جمله؛ هویت مذهبی، مذهب و مدرنیته، دنیای مجازی از جمله؛ هویت مجازی، و بازی‌های آنلاین و فرهنگ شامل؛ هویت فرهنگی و اجتماعی و رابطه‌ی فرهنگ و شخصیت است. در داخل کشور نیز تحقیقات در دو حوزه‌ی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی توسعه یافته است که در جامعه‌شناسی با توجه به شرایط و بافت خاص جامعه‌ی ایرانی، تحقیقات در سه حوزه‌ی هویت ملی، هویت دینی و هویت مجازی صورت گرفته است. لازم به ذکر است که با وجود تحقیقات و نظریات زیاد پیرامون مفهوم هویت، هنوز این مفهوم، یک ساخت پیچیده و مبهم باقی مانده است. در سطح دانشگاه آزاد اسلامی، وقتی به فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که عموم آن‌ها متأثر از جریانات دانشگاهی هویت مشخصی کسب نکرده‌اند که این نشان از مشکل هویتی در زمینه دانشگاهی هست که در این پژوهش این مسئله دنبال می‌شود.

امور مربوط به هویت، فقط محصول مطالعات دانشگاهی نیست بلکه در مقیاس وسیعی از جامعه، جریان داشته و در رسانه‌های جمعی دوربرد، رسانه‌های جمعی منطقه‌ای، مدارس و فرهنگ خیابانی نیز تقویت می‌شود که نشان از دامنه‌ی گسترده‌ی این مسئله‌ی بشری دارد (کالهن، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

با توجه به مباحث مطرح‌شده، نگارنده بر آن است که به آسیب‌شناسی فرآیند هویت‌یابی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بپردازد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش‌گر در این پژوهش این است که به بررسی فرآیند هویت‌یابی دانشجویان با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس بپردازد.

- هدف‌های جزئی

۱. شناسایی زمینه‌های اصلی هویتی که دانشجویان در طول دوره تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی با آن مواجه شده‌اند.
۲. مطالعه نحوه رویارویی دانشجویان با زمینه‌های هویتی با تأکید بر زمینه‌های الگویابی اسلامی - ایرانی پیشرفت در طول دوره تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. شناخت مؤلفه‌های اساسی هویت با تأکید بر زمینه‌های الگویابی اسلامی - ایرانی پیشرفت که بوسیله دانشجویان در طول دوره تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی کسب شده است.

از این‌رو سؤالات پژوهش عبارت است از:

۱. زمینه‌های اصلی هویتی که دانشجویان در طول دوره تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی با آن مواجه شده‌اند، کدامند؟
۲. نحوه‌ی رویارویی دانشجویان با زمینه‌های هویتی با تأکید بر زمینه‌های الگویابی اسلامی - ایرانی پیشرفت در طول دوره تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی چگونه بوده است؟
۳. مؤلفه‌های اساسی هویت با تأکید بر زمینه‌های الگویابی اسلامی - ایرانی پیشرفت که بوسیله دانشجویان در طول دوره تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی کسب شده است، کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

شفائی و نیازی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی دانشجویان» بیان کردند؛ رابطه‌ی معنادار و مثبت هر یک از متغیرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی، عضویت در اجتماعات علمی، تعامل با دوستان و جوّ مشارکتی دانشکده به ترتیب برابر با (۰/۵۷۰، ۰/۲۳۳، ۰/۱۷۵، ۰/۶۳۵) $(I=)$ با میزان هویت دانشجویی دانشجویان

بود. هم‌چنین در ارزیابی مدل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار PLS، حجم اثر متغیر جامعه‌پذیری دانشگاهی ($F_2=0/143$) در حد متوسط و سایر متغیرها در حد کم بود. مقدار Q^2 برابر با $0/405$ نشان می‌دهد که در مجموع، توان پیش‌بینی کنندگی مدل در حد زیاد است. با توجه به یافته‌ها، اگرچه مؤلفه‌های جامعه‌پذیری علمی در حد بالایی توانسته‌اند، هویت دانشجویی دانشجویان در جامعه آماری را تبیین کنند، اما چالش اساسی در خصوص هویت دانشجویی دانشجویان در توجه صرف به عوامل درون دانشگاهی و توجه ناکافی به عوامل برون دانشگاهی در این ارتباط شناسایی شده است.

عنبری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «توسعه به مثابه هویت گره الگوی پیشرفت در ایران»، بیان داشت که مهم‌ترین مقوله برای آغاز ادبیات پیشرفت ایرانی اسلامی، مفهوم هویت است. اما هر نوع رویارویی مبهم، شتابزده و غیرتاریخی به مقوله هویت، «الگوی پیشرفت» را به مجموعه‌ای از دست‌افزارها و مصنوعات فنی تقلیل می‌دهد، یعنی همان چیزی که «توسعه» جستجو می‌کند. بیم فن‌زدگی در الگوی پیشرفت ایرانی، باید هشداردهنده باشد، زیرا ما در مسیر توسعه عادت کرده‌ایم که به سرعت به فناوری و مهندسی رضایت دهیم.

یوسفی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان دکتری در ایران» به این نتیجه رسید که دانشجویان در حوزه‌های مختلف به صورت موقت، فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دهند که واکنشی به فقدان چشم‌انداز موقعیت حرفه‌ای آن‌ها است. فعالیت‌های متنوع و موقت دانشجویان دکتری در زمینه‌های مختلف با مفهوم نظری امر موقت توضیح داده شده است تا بتوان تنوع کنش‌های دانشجویان را در سطح تجربی توضیح داد. به‌طور خلاصه، امر موقت موقعیت زمانی بین حال و آینده نامعلوم است. این موقعیت ابهام‌آمیز، شکننده و سیال است. فرد در این موقعیت نمی‌تواند نقش و جایگاه خود را در آینده تشخیص دهد. بنابراین، به تناسب نیاز و برآوردهای ذهنی خود آموزش‌های متفاوتی می‌بیند و فعالیت‌های مختلفی در میدان‌های مختلف انجام می‌دهد. بر این اساس عدم تعیین هویت حرفه‌ای، تاکتیک ارادی دانشجویان برای رویارویی با امر موقت است.

حیدری و رضایی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی هویت حرفه‌ای دانشجویان» به این نتیجه رسیدند که هویت حرفه‌ای دانشجویان دارای دو بُعد هویت علمی و هویت شخصی است. هویت علمی دانشجویان از طریق گرایش‌ها و نگرش‌ها و نیز تلاش‌ها

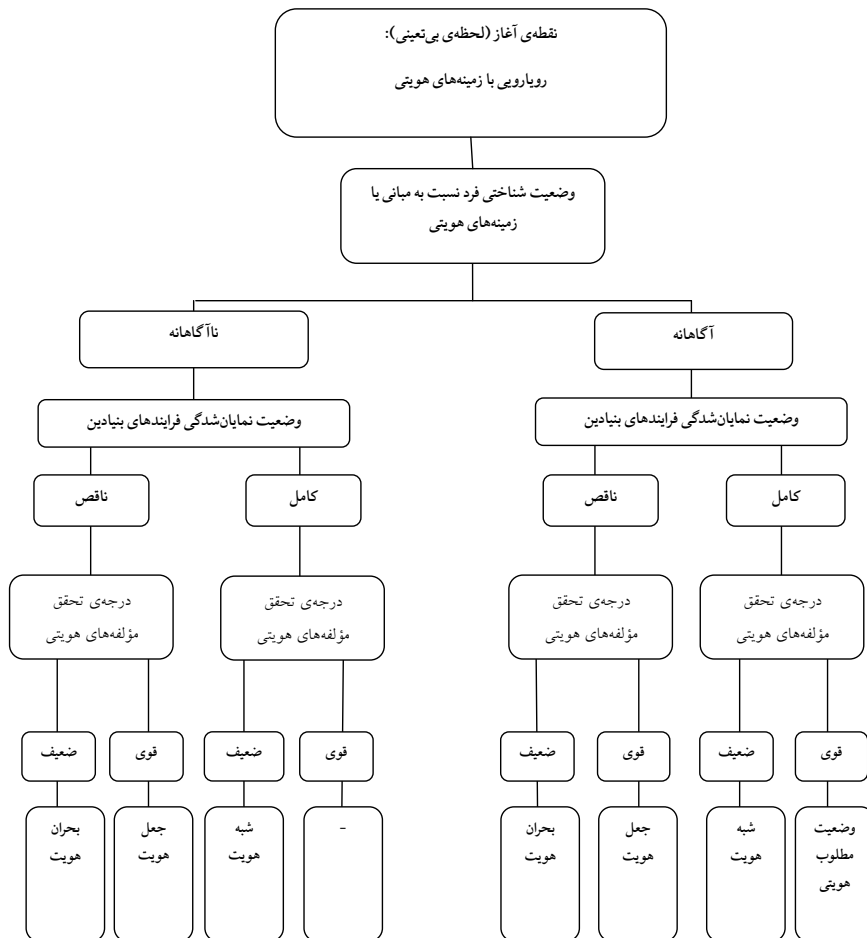
و کنش‌های علمی دانشجویان شکل می‌گیرد. هویت شخصی نیز درک و تصویری است که دانشجو از خودش به‌عنوان یک کنشگر علمی و در محیط دانشگاهی به دست می‌آورد. هم‌چنین توسعه هویت حرفه‌ای با موقعیت فرد در درون جامعه در ارتباط است؛ جنس، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، حمایت‌های خانواده و دوستان، محیط و شبکه‌های اجتماعی فرد در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای وی مؤثرند.

وحید و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی «رابطه‌ی سرمایه اجتماعی دانشجویان»، این فرضیه را که بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان و نحوه‌ی تعریف آنان از جنبه‌های اجتماعی هویت خود هم‌بستگی مثبت و معنادار و نسبتاً ضعیفی وجود دارد، به اثبات رساند، به این معنا که تقویت و رشد سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان به تقویت هویت اجتماعی آنان منجر می‌شود و به دانشجویان در نحوه‌ی به روزکردن اشکال مختلف هویت اجتماعی خود کمک می‌کند. همانطور که پیشینه پژوهش نشان می‌دهد؛ هرچند به موضوعاتی از قبیل هویت دانشجویی، توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان، تحلیل جامعه‌شناختی هویت حرفه‌ای دانشجویان و جنبه‌های هویت اجتماعی دانشجویان پرداخته شده است، اما پژوهش ویژه‌ای در خصوص فرایند هویت‌یابی دانشجویان با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت انجام نشده است که در این پژوهش این مهم دنبال می‌شود.

۳. ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

مدل هویتی موردنظر نگارندگان در این پژوهش که مبنای بررسی فرایند هویت‌یابی دانشجویان قرار گرفته است، مجموعه‌ای سه‌عضوی شامل زمینه‌های هویتی، مؤلفه‌های هویتی و فرایندهای هویت‌یابی است (شمشیری و ذاکری: ۱۳۹۶).

براساس مدل مورد نظر، آغاز فرایند هویت‌یابی، رویارویی فراگیر با زمینه‌های هویتی و پایان آن با استقرار وضعیت هویتی در فرد است. شکل خلاصه شده مدل مورد نظر در نمودار زیر قابل مشاهده است.



نمودار ۱. روند تحقق وضعیت‌های هویتی

۳-۱. شرح سه عنصر مدل

۱) زمینه‌های هویتی به عنوان منبع‌ها و بنگاه‌های معنایی هویت‌یابی

در ارتباط با مبانی هویتی باید گفت که مبانی نقش مصالح و امکانات هویت‌یابی را ایفا می‌کند. مبانی، مجموعه بافت‌ها، موقعیت‌ها، حالات درونی، مفاهیم و پدیده‌هایی است که امکان رویارویی با آن‌ها برای فرد وجود داشته باشد و فرد عملاً آن‌ها را تجربه کند (ذاکری، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

۲) مؤلفه‌های هویتی به عنوان بایدها و ضروریات هویت‌یابی

بر مبنای یافته‌های پدیدارشناختی از فرایند هویت‌یابی، آن‌طور که در مدل پژوهش‌گران حاصل آمده است، می‌توان مؤلفه‌های هویت را به گونه زیر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۱. مؤلفه‌های هویتی

مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های مرتبط	شرح مؤلفه
ارتباط	پذیرش، پیوند، تعهد	جریان هویت‌یابی، جریان برقراری روابط و مجموعه‌ای از رویارویی‌هایی است که برای فرد ایجاد می‌شود. یک ارتباط هویتی، می‌تواند ارتباط با خود اعم از خود درونی و متعلقات فردی، ارتباط با دیگری، ارتباط با طبیعت، ارتباط با وجود برتر ماورای طبیعی، ارتباط با فرهنگ، ارتباط با مکان و از این قبیل روابط باشد (ذاکری، ۱۳۹۴).
آگاهی	ادراک شخصی، معناداری	هویت در پی یک درک و فهم شخصی از خود ایجاد می‌شود. در پی تصویری که فرد از خود به‌عنوان تصرف‌کننده‌ی یک وضعیت مشخص، ادراک می‌کند، زمینه‌ی شکل‌گیری هویت برای وی فراهم می‌شود. در جریان چنین بازشناسی است که فرد قادر خواهد بود به این سؤال که «من چه کسی هستم» پاسخ دهد. (ذاکری، ۱۳۹۴).
ارزش‌مندی	تأییدپذیری	فرد زمینه‌ای را به‌عنوان هویت خود برمی‌گزیند که هم از سوی جمع و هم از سوی خودش، ارزش‌مند تلقی شود. تجربه‌ی احساس ارزش‌مندی در ارتباط با یک زمینه‌ی هویتی، بخشی از هویت وی است. این تلقی برای وی برانگیزاننده و محترم است (ذاکری، ۱۳۹۴).
وحدت	هماهنگی، کلیت، جهت‌مندی، طرح‌مندی	با وجود مواضع گوناگون اجتماعی و تصورات متفاوتی که از خود داریم و تصویرهایی که از سوی اجتماع، به ما منعکس می‌شود، درک واحدی از خود وجود دارد؛ به‌عبارتی با یک خود و من درونی روبرو می‌شویم. این خودهای مختلف که فرد در موقعیت‌های مختلف از خود نمایش می‌دهد، از وحدت برخوردار بوده و در یک شخص واحد جریان دارد (ذاکری، ۱۳۹۴).
ثبات	تداوم	معنایی از ثبات هویتی، با وجود تغییرات زیاد رشدی در طول دوره‌ی زندگی، حفظ می‌شود. از مشخصه‌های یک وضعیت هویتی در ارتباط با این مؤلفه، چنین است که فرد با گذشت زمان هم‌چنان رفتارهای متناسب با زمینه‌ی هویتی را نمایش می‌دهد؛ ثبات آندیشه و عمل در فرد وجود دارد؛ ویژگی‌های فردی، خود را حفظ کرده و هسته‌ی وجودی فرد، یکسان باقی می‌ماند (ذاکری، ۱۳۹۴).
نشان‌مندی	انعکاس، تمایز، دل‌مشغولی	فرد در موقعیت‌های واقعی و علنی، نشانه‌هایی از زمینه‌ی هویتی را در خود نمایان می‌سازد و در این صورت است که می‌توان از هویت فردی سخن گفت. انسان به‌گونه‌ای فعالانه و با مشخصه‌های گفتاری و عملیاتی نشان می‌دهد که وجود دارد؛ نمی‌توان گفت که فردی خود را متعهد و درگیر یک زمینه‌ی هویتی بداند اما در عمل، هیچ کدام از مشخصه‌ها و استانداردهای آن زمینه را در خود بروز ندهد (ذاکری، ۱۳۹۴).

فرد نسبت به آن دسته از زمینه‌های هویتی گرایش نشان می‌دهد که هم خود از شکوه و قدرت برخوردار باشد و هم دامنه‌ی توانایی‌ها و عزت نفس وی را توسعه دهد. اقتدار چنین زمینه‌هایی از هویت باید به قدری باشد که برای فرد باشکوه و باعظمت جلوه کند و اساساً فرد تا چنین سطحی از نیرومندی، جلال و غرور را در آن نیابد، به سمت آن زمینه‌ها سوق نمی‌یابد (ذاکری، ۱۳۹۴).	برجستگی، کارایی	اقتدار
هویت در انزوا و سکون تعیین نمی‌یابد. برای هویت‌یابی فرد به‌گونه‌ای تجربی و عملیاتی درگیر زمینه‌ی هویتی می‌شود که با آن روبرو است. وی در مبادین واقعی و طبیعی از خود عمل‌کردهایی متناسب با زمینه‌ی هویتی را بروز می‌دهد. در جریان چنین تجاربی که عمدتاً فرد عامل فعال و طراح است، هویت تعیین می‌یابد	-	تجربه

۳) فرایندهای بنیادین هویت‌یابی به‌عنوان مراحل و سطوح اساسی جریان هویت‌یابی شامل

سه فرایند خروج از بی‌تعینی، اعلام حضور و استقرار هویتی

بر اساس این مدل، شروع فرایند هویت‌یابی با قرار گرفتن فرد در یک زمینه‌ی مبنایی هویتی است. پس از اینکه فرد با یک زمینه‌ی هویتی مواجه شد، یک تصویر اولیه از حضور در آن زمینه‌ی ویژه برای وی حاصل می‌شود که معادل با فرایند خروج از بی‌تعینی است. فرد در راستای توسعه‌ی این تصویر، نشانه‌هایی از وضعیت جدید هویتی را در خود بروز می‌دهد. مؤلفه‌های هویتی نیز در حد فاصل مرحله‌ی خروج از بی‌تعینی تا مرحله‌ی استقرار هویتی در فرد ظهور می‌یابد.

چنانچه دو مواجهه با زمینه‌های هویتی و شکل‌گیری مؤلفه‌های هویتی به‌گونه‌ی مطلوبی طی شود و معیارهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌های هویتی نیز برای فرد محقق شود، فرد وارد مرحله‌ی استقرار هویتی می‌گردد که در این مرحله، وضعیت هویتی در فرد درونی و تثبیت می‌شود. باید توجه کرد که به محض وارد شدن و تماس یافتن با یک مبنای جدید هویتی و احساس حضور فرد در این زمینه‌ی مبنایی، فرایند هویت‌یابی شروع و فرد درگیر یک جریان هویتی می‌شود.

۳-۲. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و بر اساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است. مبانی، اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد.

آرمان‌ها، ارزش‌های فرازمانی - فرامکانی و جهت‌بخش پیشرفت است. مبانی و آرمان‌ها وجه اسلامیت‌الگورا تضمین می‌کنند. رسالت، میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. افق، آرمان‌های الگورا بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم‌قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعد معین می‌سازد. تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به‌منظور رسیدن به افق است. این الگو با ایمان استوار و عزم راسخ و تلاش عظیم و مدبرانه مردم و مسئولان جمهوری اسلامی ایران اجرا خواهد شد.

آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی.

۴. روش پژوهش

روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه‌ی عمیق، مشاهده و اسنادی است. از این‌رو داده‌ها در محیط طبیعی جمع‌آوری می‌شود. پژوهشگر در قسمت مصاحبه‌ی عمیق با ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس مصاحبه انجام می‌دهد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، روش تحلیل استقرایی و تحلیل محتوای مفهومی است. در روش استقرایی پژوهشگر با مقایسه مستمر داده‌ها به ساخت مفاهیم اقدام می‌کند به این صورت که پس از نوشتن متن مصاحبه و داده‌های حاصل از مشاهده مستقیم با نگاه اجمالی به داده‌ها زمینه‌سازواری داده‌ها مفاهیم و به ساخت مفاهیم اقدام گردیده و همزمان با ساخت مفاهیم نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش از متن مصاحبه‌ها به شیوه کدگذاری باز استخراج و کدهای مربوط به هر نکته مشخص می‌شوند.

۵. یافته های پژوهش

در پاسخ به پرسش اول پژوهش در خصوص زمینه های اصلی هویتی، با تحلیل انجام گرفته بر روی متن مصاحبه ها، پس از چهار مرحله کدگذاری جدول زیر حاصل شد. هر یک از ستون های زیر برآمده از یک مرحله از کدگذاری است:

جدول ۲. یافته های پرسش زمینه های اصلی هویتی که دانشجویان با آن مواجه شده اند، کدامند؟

نکات کلیدی	مفاهیم اصلی	مقوله های اولیه یا جانبی	مقوله های کلیدی
تا حدودی در زمینه فرهنگی تا حدودی در زمینه فرهنگی بیشتر در زمینه فرهنگی تا حدودی در زمینه فرهنگی	زمینه فرهنگی	مقوله فرهنگی	مقوله فرهنگی _ اجتماعی
زمینه اجتماعی تعامل با دانشجویان	زمینه اجتماعی	مقوله اجتماعی	
زمینه تحصیلی زمینه تحصیلی زمینه تحصیلی زمینه تحصیلی و کارگاه های آموزشی زمینه تحصیلی و کارگاه های آموزشی تا حدودی در زمینه تحصیلی تا حدودی در زمینه تحصیلی در زمینه علمی و بخصوص کارگاه ها در زمینه تحصیلی و صرفاً مباحث تئوری و نظری در زمینه تحصیلی در زمینه دروس تئوری و نظری	زمینه علمی	مقوله علمی	مقوله علمی _ تخصصی

جدول نشان می دهد، به طور کلی دانشجویان در طول دوران تحصیل خود فقط با دو مقوله اصلی روبرو شده اند که بیشترین تأکید و توجه در سطح دانشگاه آزاد به مقوله های تحصیلی و علمی و تا حدودی فرهنگی _ اجتماعی مربوط است.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش در خصوص نحوه ی رویارویی با زمینه های هویتی، با تحلیل انجام گرفته بر روی متن مصاحبه ها، پس از چهار مرحله کدگذاری جدول زیر حاصل شد. هر یک از ستون های زیر برآمده از یک مرحله از کدگذاری است.

جدول ۳. نتایج چگونگی نحوه‌ی رویارویی دانشجویان با زمینه‌های هویتی

نکات کلیدی	مفاهیم اصلی	مقوله‌های اولیه یا جانبی	مقوله‌های کلیدی
برخورد تا حدودی نیمه آگاهانه با زمینه تحصیلی	رویارویی نیمه آگاهانه	مقوله آگاهانه	مقوله‌ی آگاهانه
	رویارویی آگاهانه		
برخورد با زمینه تحصیلی آگاهانه حضور آگاهانه در زمینه فرهنگی	رویارویی آگاهانه		
رویارویی ناآگاهانه بجز در زمینه تحصیلی و فرهنگی	رویارویی ناآگاهانه	مقوله‌ی ناآگاهانه	مقوله‌ی ناآگاهانه

جدول نشان می‌دهد که نحوه‌ی رویارویی دانشجویان با زمینه‌های هویتی به دو شکل آگاهانه و ناآگاهانه صورت پذیرفته است. مقوله‌ی رویارویی آگاهانه در مواردی به زمینه‌های علمی تخصصی و در مواردی به زمینه‌ی فرهنگی - اجتماعی بر می‌گردد. در پاسخ به پرسش سوم پژوهش در خصوص مؤلفه‌های اساسی هویتی، با تحلیل انجام‌گرفته بر روی متن مصاحبه‌ها، پس از چهار مرحله کدگذاری جدول زیر حاصل شد. هر یک از ستون‌های زیر برآمده از یک مرحله از کدگذاری است.

جدول ۴. نتایج مؤلفه‌های اساسی اکتسابی هویت بوسیله دانشجویان

نکات کلیدی	مفاهیم اصلی	مقوله‌های اولیه یا جانبی	مقوله‌های اصلی
بیشترین کارایی مربوط به کتاب‌های درسی	کارایی	کارایی	
	کمک به اجتماعی شدن کسب علم امکان انجام کارهای عملی در کنار دروس تئوری تأثیر برنامه‌های جانبی در درک بهتر مطالب حضور بعضی از اساتید باسواد بازار کار خوب و درآمد نسبتاً بالا فعالیت نسبی بسیج جلسات مناظره و جلسات آموزشی در قالب برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بعنوان واسطه برای آشنایی با سایر مؤسسات	سودمندی	اقتدار

عدم اقتدار	عدم کارایی	عدم کارایی	ضعف در آموزش دانشگاه نبود برنامه در زمینه‌ی شغلی و حرفه‌ای ناکارآمدی برنامه‌ها در زمینه ملی و مذهبی ناکارآمدی و به روز نبودن مطالب درسی عدم وجود کارگاه‌های علمی و عملی ارائه مطالب حفظی و غیرکاربردی ارائه مطالب منسوخ شده و غیرکاربردی عدم وجود زمینه‌های فرهنگی و اخلاقی
	عدم سودمندی	عدم سودمندی	عدم صحیح برگزاری کارگاه‌ها عدم سودمندی برنامه‌های ملی و مذهبی عملکرد ضعیف دانشگاه در زمینه تحصیلی ضعف در برنامه‌ریزی امتحانات ارائه مطالب تئوری و نظری به صورت گنگ و نامفهوم نبود اساتید با توانایی و سواد کافی عدم وجود سمینارها و همایش‌ها
وحدت	تجانس	تجانس	هم راستایی دروس نظری و کارگاه‌های آموزشی
عدم وحدت	عدم تجانس	عدم تجانس	ارائه مطالب پایین‌تر از سطح کتاب توسط اساتید ناهم خوانی دروس ارائه در دانشگاه با دنیای واقعیت عدم دستاورد مطلوب در زمینه ملی و مذهبی بدلیل عدم همسویی با واقعیت ارائه دروس نامرتب با رشته تحصیلی عدم تجانس بین مطالب تئوری و همایش‌ها و کارگاه‌ها
تجربه	تجربه	تجربه	تجربه بعضی مطالب نظری به صورت عملی
عدم تجربه	عدم تجربه	عدم تجربه	نبود فرصت کافی برای تجربه‌ی کارهای عملی عدم وجود سمینارها و همایش‌های مرتبط با مطالب درسی وجود تعداد کمی کارگاه‌های تخصصی ناکافی بودن برنامه‌های جانبی و عملی
ارتباط	تعهد	تعهد	اثرگذاری میزان تعهد نسبت به شغل
	ارتباط	برقراری ارتباط	برقراری ارتباط لازم با شغل
	علاقه مندی	علاقه مندی	علاقه‌مندی و درک درست از شغل افزایش اعتماد به نفس از طریق تشویق اساتید علاقه‌مند به رشته و جذابیت آن علاقه‌ی زیاد و دل‌مشغولی نسبت به حرفه

عدم ارتباط	عدم تعهد	عدم تعهد	عدم ایجاد موقعیت لازم از سوی دانشگاه جهت ایجاد تعهد و مسئولیت‌پذیری
	عدم ارتباط	عدم ارتباط	عدم ارتباط لازم با برنامه‌های ملی و مذهبی
	عدم علاقه مندی	عدم علاقه مندی	برخورد نادرست بعضی اساتید و بی‌انگیزگی دانشجو طلبه‌نبودن دانشجو به دلیل برنامه‌ریزی غیرصحيح و عدم جذابیت لازم برنامه‌ریزی غیراصولی دانشگاه منجر به مدرک‌گرایی نبود زمینه‌های برانگیزاننده برای دانشجو عدم برنامه‌ریزی هدفمند و بی‌انگیزگی بی‌انگیزگی دانشجو و مدرک‌گرایی
	نارضایتی	نارضایتی	عدم برگزاری همایش‌های مذهبی انتقاد از وضع موجود در زمینه مذهبی و فرهنگی انتقاد از نداشتن برنامه‌های خاص ملی و مذهبی ناکافی بودن برنامه‌های فرهنگی و ملی کمبود وسایل و امکانات کارگاه‌ها ناراضی بودن از وضعیت مذهبی دانشگاه و عدم برنامه‌ریزی در این زمینه نارضایتی از زمینه تحصیلی בלاتکلیفی و نامشخص بودن موقعیت کاری بعد از فارغ‌التحصیلی برگزاری مراسم مذهبی یا ملی بدون هیچ‌گونه کارایی لازم ارائه ضعیف دروس توسط اساتید کم‌کاری دانشگاه در قبال صرف هزینه و وقت دانشجو کارکرد ضعیف دانشگاه در قبال برنامه‌های فرهنگی عدم برنامه‌ریزی کافی در زمینه‌های مذهبی
ارزشمندی	ارزشمندی	ارزشمندی	بازار کار این رشته و ارزش معنوی این کار نقطه متمایز این رشته‌ها با وجود آموزشگاه‌ها در جامعه اهمیت و جایگاه ویژه این رشته به عنوان زبان دوم و بین‌المللی افتخار به دین و مذهب انتخاب بواسطه علاقه شخصی و تفاوت آن نسبت به سایر رشته‌ها میزان تأیید و ارزشمندی این حرفه در جامعه افتخار به ملیت و پیشینه تاریخی خود دید مثبت جامعه نسبت به این حرفه
آگاهی	آگاهی	آگاهی و شناخت	شناخت متوسط نسبت به بعضی از دروس شناخت نسبی به این رشته و این حرفه شناخت خوب نسبت به جنبه‌های مختلف این رشته آگاهی به نقش مهم رشته‌های دانشکده علوم تربیتی و دانشکده مهندسی در جامعه آشنایی به وظایف در قبال شغل در جامعه آگاهی نسبت به وظایف و نقش خود در جامعه آگاهی نسبی بواسطه تلاش اساتید به منظور شناخت این رشته
	معناداری و ادراک	معناداری و ادراک	معناداری مطالب درسی علاقه مندی و درک درست از شغل درک بهتر مطالب با شرکت در کارگاه‌های عملی درک مطالب تنوری و نظری معناداری و قابل درک بودن دروس درک و فهم بهتر مطالب در بعضی از دروس بواسطه اساتید مجرب

عدم آگاهی	عدم آگاهی و شناخت	عدم آگاهی و شناخت	عدم آگاهی دادن در زمینه‌های ملی و مذهبی عدم برنامه‌ریزی مناسب برای درک بهتر دروس عدم آگاهی بخشی دانشگاه نسبت به وظایف و جایگاه این رشته در جامعه عدم برنامه‌ریزی در جهت تقویت آگاهی دانشجوی نسبت به وظایف شغلی عدم برنامه‌ریزی دانشگاه در معرفی بهتر این رشته
	عدم معناداری و ادراک	عدم معناداری و ادراک	عدم وجود برنامه‌های خاص علمی از سوی اساتید برای درک بهتر مطالب
نشان مندی	دل مشغولی	دل مشغولی	دل بستگی و وابستگی به این شغل دل بستگی به این رشته و هدفدار بودن دل مشغولی نسبت به این رشته و نگرانی در مورد آینده شغلی این حرفه دغدغه نسبت به این رشته و اهمیت شغل مرتبط با این رشته
عدم نشان مندی	نداشتن دل مشغولی	نداشتن دل مشغولی	عدم دل مشغولی لازم نسبت به این رشته
عدم ثبات	عدم تداوم	عدم تداوم	نداشتن برنامه‌ی خاصی در تداوم بخشی اطلاعات

در زمینه ملی و مذهبی به دلیل اینکه برنامه‌های طراحی شده یا کارایی لازم را نداشته و سودمند نبوده و یا اینکه به دلیل عدم اطلاع‌رسانی درست، فرصت رویارویی دانشجوی با آن فراهم نشده، بنابراین ارتباط لازم و مؤثر برقرار نشده، در نتیجه مؤلفه‌ی هویتی ارتباط محقق نشده است. از سوی دیگر عدم کارکرد لازم و مؤثر این برنامه‌ها منجر به عدم اقتدار شده است. نکته‌ی قابل تأمل که اکثریت دانشجویان به آن اذعان داشتند، ناکافی بودن دروس عملی در کنار دروس تئوری و نظری می‌باشد و عدم تجربه‌ی کافی در این دروس است، که باعث عدم تحقق مؤلفه‌ی تجربه می‌شود. نبود برنامه‌ریزی درست جهت معرفی جامع از رشته‌های تحصیلی توسط اساتید که باعث عدم تحقق آگاهی شده است. ناهمخوانی بعضی دروس ارائه شده در دانشگاه و واقعیت‌های روز جامعه، باعث عدم تجانس و در نتیجه عدم تحقق مؤلفه‌ی وحدت شده است. هم چنین نبود برنامه‌ی کافی در جهت تداوم بخشی اطلاعات که منجر به عدم ثبات شده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نتایج پرسش اول باید گفت؛ به طور کلی دانشجویان در طول دوران تحصیل خود فقط با دو مقوله‌ی اصلی روبرو شده‌اند که بیشترین تأکید و توجه در سطح دانشگاه آزاد به مقوله‌ی تحصیلی و علمی و تا حدودی فرهنگی _ اجتماعی مربوط است. هر چند که این زمینه‌های هویتی در جریان هویت‌یابی دانشجویان تا حدودی مؤثر واقع شده است، اما بایستی توجه داشته

باشیم که کافی نیست. دانشگاه آزاد در مسیر هویت‌بخشی به دانشجویان، در خصوص زمینه‌های هویت‌یابی، باید معیارهای زیادی را مورد توجه قرار دهد. رعایت این معیارها در واقع، راهی برای رسیدن به زمینه‌های مناسب هویتی است. اولین معیار، تنوع زمینه‌های هویتی است. هر چه قدر گستره‌ی مواجهه‌های دانشجویان با زمینه‌ها، بیشتر باشد، فرصت‌های بیشتری برای هویت‌یابی پیش‌روی آن‌ها قرار می‌گیرد که این خود مستلزم شناسایی زمینه‌های بیشتری از سوی دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان دانشگاه آزاد است. یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی که لازم است در دانشگاه آزاد مورد توجه ویژه قرار بگیرد، مهارت‌آموزی و کارهای عملی است که در ارتقا سطح کیفی مطالب نظری کمک زیادی می‌کند. از دیگر زمینه‌ها بحث پژوهشی است، هر چند در بعضی رشته‌ها دروسی برای پژوهش در برنامه‌ی درسی گنجانده شده است، اما عملاً رویارویی با این زمینه در دانشگاه آزاد به چشم نمی‌خورد. هم‌چنین در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، آثار برجسته‌ی علمی داخلی و خارجی، بروز بودن مطالب علمی، استفاده از اساتید مجرب و باسواد، عدم توجه کافی به زمینه‌های خلاقیت و ایجاد کارآفرینی و هم‌چنین هویت ملی و دینی که در این پژوهش مورد تأکید ما بوده از دیگر زمینه‌های هویتی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد. معیار دوم، فراگیری زمینه‌های هویتی است، به این صورت که امکان رویارویی تمامی زمینه‌های هویتی برای تمام گروه‌ها فراهم شود. در وضعیت فعلی دانشگاه آزاد این معیارها رعایت نشده است و این هم مستلزم تحقیق و پژوهش‌های تخصصی توسط اساتید و پژوهشگران دانشگاه آزاد در معرفی زمینه‌های هویتی را می‌طلبد، زیرا که یک کار کاملاً علمی و به دور از سلیقه‌های شخصی است.

در جمع‌بندی نتایج پرسش دوم پژوهش باید گفت نحوه‌ی رویارویی دانشجویان با زمینه‌های هویتی به دو شکل آگاهانه و ناآگاهانه صورت پذیرفته است. مقوله‌ی رویارویی آگاهانه در مواردی به زمینه‌های علمی تخصصی و در مواردی به زمینه‌ی فرهنگی-اجتماعی بر می‌گردد. دانشگاه آزاد در مسیر هویتی‌یابی، در ابتدا باید دانشجویان را با زمینه‌های مناسب هویتی مواجه کند. به همین دلیل باید فرصت یک برخورد آگاهانه با زمینه‌های هویتی مختلف را فراهم کند. برخورد آگاهانه به معنی کسب معرفت و شناخت دقیق نسبت به زمینه‌ها از طریق تجزیه و تحلیل دقیق مؤلفه‌های هویتی نهفته در آن‌هاست، و اگر به هر نحوی تحقق نیابد، عملاً فرصت هویت‌یابی مطلوب منتفی می‌شود و بنابراین شکل‌گیری مطلوب وضعیت هویتی برای فرد ایجاد نمی‌شود. در این پژوهش،

دانشگاه آزاد در بیشتر موارد فرصت رویارویی آگاهانه با زمینه‌های هویتی را برای دانشجویان فراهم نساخته است که این نشان از معضل هویتی برای دانشجویان دارد.

در جمع‌بندی نتایج پرسش سوم می‌توان گفت؛ دانشجویان برای رسیدن به هویت مطلوب، باید در ارتباط با هر یک از زمینه‌ها، مجموعه‌ای از فرایندها را که به هشت مؤلفه‌ی بنیادی می‌انجامد، طی کنند تا به واسطه‌ی این مؤلفه‌ها به هویت دست یابند. در واقع این هشت مؤلفه، همان هشت مؤلفه‌ی هر جریان مطلوب هویت‌یابی است که بایستی در مورد هر وضعیت هویتی محقق شود. اگر هر دانشجو در دستیابی به یکی از مؤلفه‌ها عملکرد ضعیفی داشته باشد، وضعیت کلی او نیز ضعیف می‌شود. هم‌چنین، بین رسیدن به مؤلفه‌های هویتی یک نوع ارتباط وجود دارد، به این صورت که دستیابی به هر یک از مؤلفه‌ها، مسیر را برای دستیابی مؤلفه‌های دیگر فراهم می‌کند و برعکس دست نیافتن بعضی مؤلفه‌ها باعث عدم دستیابی به سایر مؤلفه‌ها می‌شود. از این رو اگر دانشجو بخواهد، به هویت مطلوبی دست پیدا کند، باید برای دستیابی به این مؤلفه‌های هویتی تلاش کند. این درحالی است که یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که از بین هشت مؤلفه‌ی اصلی هویت‌یابی شامل مؤلفه‌های ارتباط، آگاهی، ارزش‌مندی، وحدت، ثبات، نشان‌مندی، اقتدار و تجربه، هفت مؤلفه‌ی اقتدار، وحدت، تجربه، ارتباط، ارزش‌مندی، نشان‌مندی و آگاهی در مورد زمینه‌های هویتی علمی-تخصصی و فرهنگی حاصل آمده‌اند و مؤلفه‌ی ثبات محقق نشده است. درخصوص سایر زمینه‌های هویت‌یابی، عدم تحقق مؤلفه‌ها را شاهد هستیم. بنابراین مسیر مطلوب هویتی در این بخش طی نشده است.

منابع

۱. حیدری، حمید و رضایی، احمد (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه شناختی هویت حرفه‌ای دانشجویان»، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، دوره پنجم شماره ۲، صص ۱ تا ۲۹
۲. شفائی، الهام و نیازی، محسن (۱۳۹۸). «تبیین رابطه جامعه پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی دانشجویان». مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۹۴، صص ۵۳ تا ۷۲.
۳. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳). مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۴. عنبری، موسی (۱۳۹۴). «توسعه به مثابه هویت گره الگوی پیشرفت در ایران»، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۹-۳۶
۵. کالهن، کریج (۱۳۸۹). نظریه اجتماعی و سیاسی هویت. ترجمه‌ی محمد قلی پور و علی محمدزاده. تهران: جامعه‌شناسان.
۶. شمشیری، بابک و ذاکری، مختار (۱۳۹۶). هویت و تعلیم و تربیت از نظریه تا عمل، شیراز: دانشگاه شیراز
۷. وحید، فریدون و همکاران (۱۳۸۴). «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان». مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص ۹۲-۵۹
۸. هانتینگتن، ساموئل (۱۳۸۴). چالش‌های هویت در آمریکا. ترجمه محمدرضا گلشن و همکاران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
۹. یوسفی، رحیم (۱۳۹۴). «امر موقت و توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان دکتری در ایران». فصلنامه علم و فناوری، شماره ۲، صص ۶۸-۸۲